



معرفی کتاب

Psychology, Religion, and Spirituality

James M. Nelson

New York: Springer, 2009

معرفی کتاب «روان‌شناسی، دین و معنویت»

حمید رفیعی هنر* / پژوهشگر گروه روانشناسی اسلامی، پژوهشگاه قرآن و حدیث

چکیده

امروزه یکی از شاخه‌های مطرح در روان‌شناسی، روانشناسی دین است. پژوهشگران با رویکردهای مختلفی به تألیف آثار مختلف در این زمینه پرداخته‌اند. یکی از رویکردهای مطالعه روان‌شناسی و دین، رویکرد «گفتگویی» است که تلاش می‌کند ضمن حفظ شأن دین و روان‌شناسی و عدم دستکاری اهداف و روش‌های دو طرف، مناسبات و سودمندی‌های هر یک از قلمروها را برای دیگری ترسیم نماید. کتاب روان‌شناسی، دین، و معنویت اثر جیمز ام. نلسون استاد گروه روان‌شناسی دانشگاه والپرایزو ایالت ایندیانا آمریکا است که با رویکرد گفتگویی تألیف شده است. این کتاب که در سال ۲۰۰۹ توسط انتشارات اسپرینگر منتشر شده، در ۷۳۰ صفحه ۴ بخش و ۱۵ فصل تنظیم شده است. در گزارش حاضر، بعد از ذکر مقدمه، ابتدا مؤلف کتاب معرفی شده، سپس به طرح کتاب اشاره گردیده، و در نهایت، عناوین بخش‌ها و مباحث فصول کتاب گزارش شده‌اند. عناوین بخش‌های کتاب به شرح ذیل می‌باشند. بخش اول: مباحث اساسی، بخش دوم: گفتگو: گذشته، حال، و آینده، بخش سوم: تحوّل انسان، و بخش چهارم: کاربردها.

* hamidrafi2@gmail.com

مقدمه

بیش از یک قرن پیش، روان‌شناسانی که علاقه‌مند به دین بودند شروع به مطالعه و نوشتن درباره دین کردند و در مقابل، الهیات دانان و متخصصان دینی با ایجاد یک «گفتگو»^۱ به این آثار واکنش نشان داده و بحث‌هایی راجع به فهم‌های بنیادین درباره انسان و جایگاه انسان ارائه دادند. این نحوه تعامل، مبنای شکل‌گیری شیوه‌ای در مطالعه روان‌شناسی و دین تحت عنوان «گفتگوی بین روان‌شناسی و دین» گردید (نلسون، ۲۰۰۹، ص ۵).

با این حال، همواره مطالعه و بررسی گفتگوی بین روان‌شناسی و دین به دلایل متعددی دشوار بوده است. چرا که این کار نیازمند دانش در هر دو زمینه روان‌شناسی و دین است. افرادی با پیش زمینه روان‌شناسی غالباً فاقد یک فهم دقیق و قابل اطمینان از سنت‌های دینی هستند و در مقابل، اطلاعات الهیات‌دانان درباره آخرین تحولات در روان‌شناسی ممکن است به‌روز نباشد. از سوی دیگر این که چه مباحثی از روان‌شناسی و دین می‌توانند با هم پیوند داشته باشند و کشف مسائل و مفاهیم پایه‌ای در این زمینه نیازمند به توانایی و ابزار خاص است. این مفاهیم ممکن است در هر جایی حتی در آثار فلاسفه علم یافت شود، اما آن‌ها پیچیده‌اند و غالباً بعید است که آن‌ها را بدون وجود یک زمینه درست الهیاتی و فلسفی به منظور این اهداف پیگیری کرد. نهایتاً، نویسندگانی که در موضوع روان‌شناسی و دین اقدام به تألیف می‌کنند، با زمینه‌های متنوع آکادمیک و شخصی اقدام به این کار کرده و این اتفاق، گوناگونی عجیبی را در مباحثات فراهم ساخته است (نلسون، ۲۰۰۹، ص ۵).

با فرض این مشکلات، چرا ما باید در پی فهم این گفتگوهای طرفینی بین روان‌شناسی و دین باشیم؟ «جیمز ام. نلسون» مؤلف کتاب «روان‌شناسی، دین، و معنویت» از جمله روان‌شناسانی است که معتقد است روان‌شناسی و دین هر دو چیزهایی برای گفتن به دیگری دارند که برای دو طرف سودمند است. او معتقد است روان‌شناسی برای دین، منابعی از دانش را می‌تواند فراهم سازد که باعث صحت در فهم بهتر دین و صحت روش‌هایی شود که دین

جهت پیگیری اهداف مورد علاقه خود به کار می‌گیرد. دین نیز برای روان‌شناسی یک منبع بسیار وسیعی از خرد انباشته شده در زمینه ماهیت انسان و چگونگی دستیابی او به یک زندگی خوب را فراهم می‌سازد. وقتی هریک از این دو قلمرو به سخنان طرف مقابل گوش بسپارد طبیعتاً واکنش‌ها یا انتقادهای طرفینی شکل می‌گیرد و این واکنش‌ها و انتقادهای نیز اهمیت حیاتی خواهند داشت. برای نمونه، واکنش‌های الهیاتی به نظریه و تحقیق روان‌شناختی، تصحیحات با ارزشی را فراهم می‌سازد که می‌تواند به این قلمرو کمک کند تا از اشتباهات و بدفهمی‌ها اجتناب نماید (نلسون، ۲۰۰۹، ص ۵).

از این رو نلسون کتاب روان‌شناسی، دین، و معنویت را با یک «منظر گفتگویی»^۱ تألیف کرده و مهم‌ترین گفتگوها و نقدهایی که تا به حال بین روان‌شناسان، الهیات دانان و متخصصان دینی تبادل شده را به بحث گذاشته است.

معرفی مؤلف

جیمز ام. نلسون^۲ استاد گروه روان‌شناسی و مدیر روان‌شناسی تکمیلی و برنامه‌های مشاوره دانشگاه والپرایزو^۳، ایالت ایندیانا^۴ آمریکاست. او مدرک کارشناسی خود را از دانشگاه شرقی واشنگتن^۵؛ کارشناسی ارشد الهیات مسیحی را از مدرسه علوم دینی الهیاتی فولر^۶، و کارشناسی ارشد و دکتری تجربی خود را در رشته روان‌شناسی با گرایش روان‌شناسی عصب شناختی و روان‌شناسی میان فرهنگی در سال ۱۹۸۷ از دانشگاه ایالتی واشنگتن دریافت کرده است (نلسون، ۲۰۰۶).

1 . dialogical perspective

2 . Nelson, J. M.

3 . Valparaiso

4 . Indiana

5 . Eastern Washington University

6 . Fuller Theological Seminary

او هم اکنون عضو هیئت علمی مطالعات چینی ژاپنی در دانشگاه والپرایزو می‌باشد. علایق پژوهشی او در حال حاضر مسائل نظری و فلسفی در روان‌شناسی و رابطه بین روان‌شناسی و دین است (سایت دانشگاه والپرایزو، ۲۰۱۷)^۱. او به روان‌شناسی میان فرهنگی به ویژه فرهنگ کشورهای شرق آسیا علاقه‌مند بوده و در روش‌های کیفی تخصص دارد (نلسون، ۲۰۰۶).

نلسون هم اکنون در دانشگاه والپرایزو به تدریس روان‌شناسی ناپهنجاری در مقاطع کارشناسی و ارشد مشغول بوده و هم‌چنین کلاس‌های روان‌شناسی و دین، تحوّل بزرگسالان و روان‌شناسی عصب شناختی برگزار می‌کند. او هم‌چنین مدیر برنامه‌های مشاوره فارغ التحصیلان بوده، و مدیر برنامه مطالعه چینی در این دانشگاه است (سایت دانشگاه والپرایزو، ۲۰۱۷).

طرح کتاب

همان‌طور که اشاره شد نلسون کتاب روان‌شناسی، دین، و معنویت را با یک رویکرد گفتگویی تألیف کرده است. کلمه «و» در عنوان این کتاب منعکس کننده این هدف گفتگویی است. نلسون معتقد است رویکرد گفتگویی به روان‌شناسی و دین متضمن چند پیش فرض است. اول، با روان‌شناسی و دین به مثابه دو همراه یکسان و برابر تعامل می‌شود که هر دو شایسته احترام‌اند. از این رو باید تلاش شود تا در مطالعه و بررسی از ترجیح یکی بر دیگری اجتناب شود. دوم، هرچند گفتگو باعث پیوندهای جذّاب و شگفت آور فراوانی می‌شود اما باعث ایجاد سیستم شسته و رفته‌ای^۲ که مناسب هر دو حوزه باشد، نخواهد شد. سوم، هرچند روان‌شناسی و دین حرف‌های بسیاری برای هم دارند؛ اما اهداف و روش‌های آن‌ها متفاوت است بنابراین ناپیوستگی^۳ بین این دو قلمرو همیشه باقی خواهد ماند (نلسون، ۲۰۰۹، ص شش پیشگفتار).

به اعتقاد مؤلف، حوزه‌های روان‌شناسی، دین، و معنویت دارای میراثی غنی و وسیع هستند که بررسی آن‌ها فراتر از یک یا چندجلد کتاب است. از این رو، او مدعی است «من

1 . <http://www.valpo.edu/psychology/about/faculty-and-staff-2/jim-nelson-ph-d/>

2 . neat system

3 . discontinuity

تلاش کرده‌ام یک نگاه از بالا^۱ به این حوزه داشته باشم به طوری که به مهم‌ترین موضوعات و قلمروهایی که جای دیالوگ و گفتگو بوده پرداخته‌ام. با این حال، این کتاب بیش از آنکه یک دائره‌المعارف باشد یک کتاب درسی است لذا شما انتظار نداشته باشید که همه مولفان یا تحقیقات مرتبط به روان‌شناسی، دین، و معنویت را در آن خواهید یافت».

هر فصل با بحث از یک موضوع یا تم کلیدی منعقد می‌شود که از گفتگوهای بین روان‌شناسی و دین برخاسته است. بدین منظور بیشتر بر روی تحقیقات اخیر و فهم‌های جدید از موضوعات تمرکز شده، هرچند آثار پیشین نیز مورد ملاحظه قرار گرفته است.

کتاب در ۴ بخش تنظیم شده است. بخش اول، عهده‌دار بحث‌های بنیادین در گفتگوهای روان‌شناسی و دین و یا به عبارت بهتر، گفتگوی بین دانش و دین است. بخش دوم یک نگاه کلی به رویکردهایی داشته که احتمالاً در آینده، محور بحث بین روان‌شناسی و دین قرار می‌گیرند. بخش سوم به تبیین موضوعاتی می‌پردازد که به حیطه‌های مهم رشد و تحوّل انسان مربوط است، و بخش چهارم عهده‌دار مباحث کاربردی گفتگوی روان‌شناسی و دین است. در قسمت بعد، مباحث فصول هر یک از بخش‌های مذکور معرفی خواهد شد.

نلسون می‌گوید «تمرکز اولیه این کتاب بر مسیحیت است و من از منظر مسیحیت این کتاب را نوشته‌ام، اما هندوئیسم و به خصوص بودائیسم نیز به طور فراوان در گفتگوی روان‌شناسی و دین مشارکت داده شده‌اند. بنابراین بخش‌های عمده این کتاب نیز اطلاعات مرتبط به این دو سنت را به بحث گذاشته است». وی معتقد است متأسفانه برخی از ادیان عمده هم‌چون یهودیت و اسلام به خوبی توسط روان‌شناسان مورد مطالعه قرار نگرفته است و از این رو ما با یک بدنه منسجمی از گفتگوهای آماده برای بحث مواجه نیستیم. بنابراین ما با بحث‌های بسیار کمی از یهودیت و اسلام در این کتاب مواجه خواهیم شد (نلسون، ۲۰۰۹، ص ۶).

به اعتقاد نلسون، هرچند اسلام یکی از ادیان بزرگ جهان است اما در روان‌شناسی غربی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در مقابل از اواسط قرن بیستم میلادی روان‌شناسی غربی

1. bird's-eye view

در تعدادی از کشورهای اسلامی هم‌چون مصر، ایران، پاکستان، اندونزی، و ترکیه شروع به رشد و نمو کرد اما نوعاً ایده‌های غربی بدون هیچ فیلتری وارد این کشورها شده و آن‌ها در همان چارچوب‌های پذیرفته شده غربی پژوهش‌های اصلی خود را به انجام رسانده‌اند. با این حال، اخیراً روان‌شناسان در این کشورها نگاه انتقادی‌تری به این رویکرد پیدا کرده‌اند (نلسون، ۲۰۰۹، ص ۳۶۵). منتقدان بر این باورند که روان‌شناسی غربی نه تنها به لحاظ فرهنگی خنثی نبوده بلکه برعکس، بر ارزش‌های فردگرایانه‌ای مبتنی است که با فرهنگ اجتماع محور^۱ ناسازگار است. در نتیجه، آنچه از طریق روان‌شناسی وارد این کشورها شده سؤالاتی را برای زندگی روزانه افراد مسلمان و عرب زبان ایجاد می‌کند. این منتقدان معتقدند ارزش مطالعات فعلی روان‌شناختی دین محدود است چرا که این مطالعات نسبت کمی از این واریانس را تبیین می‌کنند و وقتی در فرهنگ‌های دیگر ترجمه می‌شوند لزوماً معتبر نخواهند بود (نلسون، ۲۰۰۹، ص ۳۶۶).

نلسون بر این باور است که روان‌شناسی غربی هم‌چنین نسبت به تاریخ طولانی تمدن جهان اسلام بی توجه بوده است. مؤلف با استناد به پژوهش‌های تاریخی خاطر نشان می‌کند که مقارن با قرون وسطی، این دانشمندان اسلامی بودند که به تدوین دیدگاه‌های پیچیده در مورد روان‌شناسی و پزشکی پرداختند، که شامل سیستم‌هایی بود که اختلال‌های روان‌پریشی، اضطراب، افسردگی، و دیگر شرایط را از یکدیگر متمایز می‌کرد.

به هر حال، هرچند این انتقادات باعث نشده تا روان‌شناسی غربی در کشورهای اسلامی برچیده شود، اما اخیراً در برخی از کشورهای اسلامی هم‌چون جنبش روان‌شناسی مسیحی^۲؛ جنبش روان‌شناسی اسلامی در حال شکل‌گیری است. جنبش روان‌شناسی اسلامی در پی ساخت یک روان‌شناسی مبتنی بر پایه‌های اسلامی است (نلسون، ۲۰۰۹، ص ۳۶۶).

به گفته نلسون ما بر این امید هستیم که نظریه و تحقیق در آینده پیشرفت خواهد کرد و این

1 . community-focused culture

2 . christian psychology

سنت‌های مهم دینی جایگاه محوری مهم‌تری را در گفتگو با روان‌شناسی پیدا خواهند کرد (نلسون، ۲۰۰۹، ص ۶).

معرفی فصول

این کتاب ۷۳۰ صفحه‌ای در ۴ بخش و ۱۵ فصل تنظیم شده است. در جدول (۱) عناوین بخش‌ها و فصول آمده است. بخش اول کتاب تحت عنوان مباحث اساسی، سه فصل را پوشش داده است. فصل اول به «مقدمه‌ای در روان‌شناسی، دین، و معنویت» پرداخته است. نویسندگان در این فصل ابتدا به تعریف دین و معنویت و جایگاه آن در موقعیت کنونی در قالب بررسی سه فرضیه سکولاریزه شدن دین، فرضیه تحول دینی^۱ و فرضیه شکاف فرهنگی^۲ پرداخته، سپس رویکردهای روان‌شناختی به دین و معنویت را معرفی کرده که شامل بحث‌های اولیه روان‌شناسی دین در آمریکا، تحولات اروپایی، رویکردهای روان‌پویشی، رویکردهای انسان‌گرا و فرابخشی^۳، رویکردهای اجتماعی و شخصیت، و رویکرد گفتگویی و یکپارچه نگر می‌باشد. بحث بعدی این فصل را بررسی واکنش‌های دینی و الهیاتی به روان‌شناسی تشکیل داده است که به بررسی نظرات تیلیچ^۴، نایبر^۵، و نویسندگان هرمنوتیک هم‌چون برونینگ^۶، و ریکوئر^۷ پرداخته است. موضوع دیگر این فصل، بررسی رویکردهای تحقیقی کنونی در روان‌شناسی دین است که شامل معرفی رویکردهای کمی و کیفی می‌باشد. نویسندگان، این فصل را با نتیجه‌گیری و بحثی در مورد نگاهی به آینده به پایان می‌برد.

1 . the religious transformation

2 . the cultural divide

3 . transpersonal

4 . Tillich, P.

5 . Niebuhr, R.

6 . Browning, D.

7 . Ricoeur, P.

فصل دوم با عنوان «دانش، دین، و روان‌شناسی» در قالب پنج بحث تنظیم شده است که عبارتند از مفاهیم و موضوعات فلسفی در دین و دانش (بررسی رویکردهای تجربه‌گرایی^۱، کاهش‌گرایی^۲، مادّی‌گرایی^۳، طبیعت‌گرایی^۴، و علم‌گرایی^۵)، دیدگاه‌های مدرن اولیه درباره دین و دانش (بررسی نظریه‌های بیکن^۶ و کانت^۷)، ظهور اثبات‌گرایی سنتی^۸، نوابات‌گرایی و اثبات‌گرایی منطقی و تأثیرات آن در روان‌شناسی، و تحولات فیزیک و کیهان‌شناسی در قرن بیستم و ارتباط آن با بحث فعل الهی، ارزش‌ها، و مدل‌های رابطه دین و دانش.

نویسنده در فصل سوم با عنوان «سنت‌های دینی» به بررسی تاریخچه، مبانی فکری، و برخی از مناسک سه سنت دینی هندوئیسم، بودائیسم، و مسیحیت پرداخته است. البته نویسنده در پیشگفتار این کتاب خاطر نشان کرده که دو سنت دینی اسلام و یهودیت از جمله سنت‌های بزرگ دینی هستند که به ادعای وی، این ادیان بزرگ به‌خوبی توسط روان‌شناسان مورد مطالعه قرار نگرفته و دست ما از بدنه منسجمی از گفتگوهای آماده برای بحث خالی است؛ هرچند در فصل یازدهم به مباحثی از سنت اسلامی پرداخته است.

بخش دوم کتاب با عنوان «گفتگو: گذشته، حال، و آینده» شامل سه فصل با عناوین ذیل می‌باشد. فصل چهارم: «رویکردهای پدیدارشناختی به دین و معنویت»، فصل پنجم: «رویکردهای روان‌پویشی و ارتباطی»، و فصل ششم: «رویکردها و مناقشات معاصر». در ادامه به معرفی مباحث هر یک از فصول مذکور می‌پردازیم.

1 . empiricism

2 . reductionism

3 . materialism

4 . naturalism

5 . scientism

6 . Bacon, F.

7 . Kant

8 . classical positivism

جدول ۱: عناوین بخش‌ها و فصول کتاب روان‌شناسی، دین، و معنویت (نلسون، ۲۰۰۹)

بخش اول: مباحث اساسی	
مقدمه‌ای در روان‌شناسی، دین، و معنویت	فصل اول
دانش، دین، و روان‌شناسی	فصل دوم
سنت‌های دینی	فصل سوم
بخش دوم: گفتگو: گذشته، حال، و آینده	
رویکردهای پدیدارشناختی به دین و معنویت	فصل چهارم
رویکردهای روان‌پویشی و ارتباطی	فصل پنجم
رویکردها و مناقشات معاصر	فصل ششم
بخش سوم: تحوّل انسان	
مباحث اساسی تحوّل انسان، دین، و معنویت	فصل هفتم
دین و تحوّل در کودکی و نوجوانی	فصل هشتم
دین، معنویت، و تحوّل در بزرگسالی	فصل نهم
بخش چهارم: کاربردها	
دین، معنویت، و سلامت بدنی	فصل دهم
دین، معنویت، و سلامت روان	فصل یازدهم
مناسک و اجتماعات دینی	فصل دوازدهم
مناسک دینی و معنوی شخصی	فصل سیزدهم
ارتباطات یاری‌رسان: مشاوره و رشد معنوی	فصل چهاردهم
نگاهی به آنچه گذشت	فصل پانزدهم

مؤلف در فصل چهارم بعد از اشاره به چالش‌های موجود در مطالعه تجربه‌های دینی و معنوی؛ ابتدا به معرفی دیدگاه ویلیام جیمز^۱ و تنوع تجربه‌های دینی او پرداخته، بعد دیدگاه‌های مرسوم در این زمینه هم‌چون دیدگاه فلوپتین^۲، هوگل^۳، اوتو^۴، استیس^۵ را معرفی

1 . James, W.

2 . Plotinus

3 . Hugel, V.

4 . Otto, R.

5 . Stace, W. T.

کرده، سپس نظریه‌های ساختن‌گرایی^۱ در زمینه تجربه دینی را مورد بررسی قرار داده، و در نهایت موضوع تبدل^۲ و ارتباط آن با تجربه دینی را مورد بحث قرار داده است. مؤلف در موضوع اخیر به تبدل در سنت اسلامی هم اشاراتی داشته است.

فصل پنجم، عهده‌دار معرفی نظریه‌های روان‌پویشی و ارتباطی است. این نظریه‌ها شامل نظریه فروید^۳، یونگ^۴، اریکسون^۵، و رویکردهای روابط موضوعی هم‌چون گانتزلیپ^۶ و وینی‌کات^۷ است. نویسنده در این فصل سعی کرده ضمن معرفی مفاهیم پایه‌ای این نظریه‌ها؛ دیدگاه‌های آن‌ها در زمینه دین و معنویت را مورد بررسی قرار داده، میزان تأثیرگذاری آن‌ها در روان‌شناسی دین را اشاره نموده، و انتقادهای احتمالی بر این نظریه‌ها را به بحث بگذارد.

در فصل ششم، مؤلف قصد دارد از رویکردها و مناقشات معاصر بحث کند. از این رو، ابتدا رویکردهای عصب زیست‌شناسی را مورد بحث قرار داده که شامل بررسی شواهد تجربی در فاکتورهای زیست‌شناختی در دین و جایگاه آن در مغز، بحث ذهن عرفانی^۸، و بحث‌های انتقادی در این زمینه است. سپس نگاه روان‌شناسی تکاملی^۹ به دین را مورد بررسی قرار داده، در نهایت دیدگاه‌های پست مدرن در زمینه امکان‌دستی به شناخت و دانش، درک خود، و ارتباط آن با دین را مورد بحث قرار داده است.

بخش سوم کتاب، که فصول هفتم، هشتم، و نهم را در خود جای داده است به مباحث تحوّل انسان و ارتباط آن با تحوّل دین و معنویت پرداخته است. فصل هفتم با عنوان «مباحث

1 . constructivism

2 . conversion

3 . Freud, S.

4 . Jung, C.

5 . Erikson, E.

6 . Guntrip, H.

7 . Winnicott, D.

8 . mystical mind

9 . evolutionary psychology

اساسی تحوّل انسان، دین، و معنویت» در پی بررسی موضوعات اساسی در نظریه‌های تحوّل است. در این فصل، مؤلف به تفصیل به معرفی مدل‌های دینی تحوّل معنوی البته در سنت‌های مسیحیت، هندوئیسم و بودائیسم، نظریه‌های اولیه ژنتیک در تحوّل معنوی (هم‌چون نظریه هال^۱ و بالدوین^۲)، نظریه‌های شناختی - ساختارگرایی در تحوّل (هم‌چون نظریه پیاژه^۳، کلبِرگ^۴، فولر^۵، و اوسر^۶)، و رویکردهای یکپارچه نگر در تحوّل دینی (هم‌چون نظریه ویلبر^۷، و لودر^۸) پرداخته است.

عنوان فصل هشتم «دین و تحوّل در کودکی و نوجوانی» است. مؤلف در این فصل در تلاش است تا به بررسی مفاهیم اجتماعی شدن، دلبستگی، تصوّر از خدا، و هویت بپردازد. از این رو ابتدا به بحث اجتماعی شدن دینی کودکان پرداخته، سپس موضوع دلبستگی و دین در کودکان و نوجوانان را مورد بررسی قرار داده. بعد از آن به بحث تصور از خدا، تحوّل آن، ابعاد آن و نقش جنسیت در آن پرداخته، و در نهایت موضوع تحوّل هویت در نوجوانی و ارتباط آن با دین‌داری را مورد بحث قرار داده است.

مؤلف در فصل نهم با عنوان «دین، معنویت، و تحوّل در بزرگسالی» قصد داشته تا به بررسی تحوّل دینی در سنین بزرگسالی و میان‌سالی بپردازد. از این رو بعد از اشاره به موضوعات کلی در تحوّل بزرگسالی، الگوهای بزرگسالان در طول زندگی، نقاط عطف در زندگی آنان، تغییرات دینی در این سنین، و مکانیزم‌های ثبات و تغییر در دین‌داری بزرگسالان را مورد بررسی قرار داده است. در نهایت این فصل با دین و معنویت در کهنسالی به اتمام می‌رسد.

1 . Hall, G. S.

2 . Baldwin, J. M.

3 . Piaget, J.

4 . Kohlberg, L.

5 . Fowler, J.

6 . Oser, F.

7 . Wilber, K.

8 . Loder, J.

علاقه‌مندان به حوزه‌های کاربردی روان‌شناسی دین به فصول شش‌گانه بخش چهارم این کتاب می‌توانند مراجعه نمایند. بخش مذکور که بخش پایانی کتاب حاضر است شامل فصول دهم تا پانزدهم است. در این فصول، ارتباط دین و معنویت با حوزه‌های سلامت بدنی، سلامت روانی، مشارکت اجتماعی^۱، و ارتباط‌های یاری‌رسان^۲ مورد بحث قرار گرفته است که گزارش هر فصل در ادامه می‌آید.

فصل دهم با عنوان «دین، معنویت، و سلامت بدنی» در تلاش است تا ضمن بررسی رویکردهای علمی در سلامت به معرفی دیدگاه‌های دینی در سلامت بدنی بپردازد. البته در این فصل به دیدگاه‌های تعاون و اشتراک مساعی در سلامت نیز پرداخته شده است.

فصل یازدهم با عنوان «دین، معنویت و سلامت روان» یکی از جالب‌ترین فصول این کتاب به‌شمار می‌آید. مؤلف در این فصل ضمن بررسی مدل‌های روان‌شناختی در سلامت روان (اعم از مدل‌های سنتی و مدل‌های اخیر هم‌چون مثبت‌نگر و بهزیستی)، به معرفی برخی از مدل‌های دینی و معنوی سلامت روان از منظر مسیحیت و اسلام پرداخته است. مؤلف بعد از بررسی مدل‌های سنتی و مدرن مسیحیت در سلامت روانی، تلاش کرده نگاه اسلامی به روان‌شناسی را مورد کنکاش قرار داده و نگاه اسلام به انسان را معرفی کرده و بحثی را در حوزه مشاوره و درمان با نگاه اسلامی ارائه دهد. در ادامه این فصل، دیدگاه‌های روان‌شناختی و معنوی در زمینه مشکلات معنوی مورد بررسی قرار گرفته، و در نهایت نقش دین و معنویت در درمان‌های روانی مورد توجه قرار گرفته است.

در فصل دوازدهم با عنوان «مناسک و اجتماعات دینی» ما شاهد بحث از مناسک دینی و معنوی در اجتماعات دینی بودائی و مسیحی هستیم. از این رو دیدگاه‌های روان‌شناختی درباره اجتماعات دینی هم‌چون حضور و گردهمایی در کلیسا و نقش آن در زندگی و انواع مناسک دینی در این مجموعه‌ها هم‌چون تشریفات دینی^۳، زیارت^۴، و عبادت^۵ مورد تبیین

1 . community

2 . helping relationships

3 . ritual

4 . pilgrimage

5 . service

قرار گرفته است.

«مناسک دینی و معنوی شخصی» عنوان فصل سیزدهم این کتاب است. نیایش و مراقبه^۱ به عنوان دو مورد از مناسک شخصی چه جایگاهی در مسیحیت کاتولیک، ارتودوکس و در مناسک ریاضتی و زاهدانه^۲ دارد؟ مؤلف در این فصل در قالب چند بخش در پی تحلیل روان‌شناختی نیایش از نگاه سنت‌های مسیحی، عرفان در زندگی اهل ریاضت، و مراقبه از نگاه سنت‌های بودائی و هندو است.

وی ابتدا به تحلیل زندگی معنوی مسیحیت ارتودوکس پرداخته (مناسک شخصی، ارتباط با تصاویر مقدّس^۳) و آن را با دیگر سنت‌های معنوی غربی هم‌چون سنت تأملی و تعمقی^۴ مقایسه کرده است، سپس دیدگاه‌های مسیحیت پروتستان (هم‌چون دیدگاه مارتین لوتر^۵)، و دیدگاه‌های مدرن درباره نیایش را به بحث گذاشته است، در نهایت مراقبه را از نگاه رویکردهای سنتی و مدرن بودائی مورد بررسی قرار داده و دیدگاه‌های روان‌شناختی را در این زمینه مطرح کرده است.

چهاردهمین فصل کتاب را «ارتباطات یاری رسان: مشاوره و رشد معنوی» تشکیل داده است. رویکردهای دینی در راهنمایی و یاری رسانی، موضوعات دینی و معنوی در روان‌درمانی، و رویکردهای جدید دینی در روان‌درمانی اصلی‌ترین مباحث این فصل است. هدایت معنوی^۶ دیگران در سنت مسیحی، «روابط گورو»^۷ در سنت بودائی و هندو، و مشاوره روحانی^۸ از جمله موضوعاتی است که به ادعای مؤلف در سنت‌های دینی شکل گرفته و

1 . meditation

2 . ascetic

3 . icons

4 . contemplative Tradition

5 . Luther, M.

6 . spritual direction

7 . guru relationships

۸ . گورو در سنت‌های بودائی و هندو به یک فرد معنوی اطلاق می‌شود که حقیقت را از برهمن دریافت کرده و همواره نگران رشد معنوی پیروان خویش است (نلسون، ۲۰۰۹، کتاب حاضر، ص ۴۸۰).

9 . pastoral counseling

امروزه در روان‌درمانی‌های مدرن نقش ایفا می‌کنند. از سوی دیگر در دهه‌های گذشته مدل‌های مسیحی و مشخصاً خداپاورانه^۱ در روان‌درمانی طراحی شده که مؤلف برخی از آنها را به بحث گذاشته است.

فصل پانزدهم با عنوان «نگاهی به آنچه گذشت» در واقع ارائه یک جمع‌بندی از مباحث کل کتاب بوده و این مباحث را در خود جای داده است: درس‌هایی که از «گفتگوی» بین روان‌شناسی و دین گرفته شد، رویکردها در گفتگو، موانع ایدئولوژیکی و فرهنگی گفتگو، و دورنما و هدایت‌هایی برای گفتگو.

در نهایت کتاب با ارائه واژه نامه، فهرست منابع، نمایه اسامی، و نمایه موضوعی به پایان رسیده است.

منابع

Nelson, James M., Psychology, Religion, and Spirituality, Springer, 2009

Nelson, James M., “Missed Opportunities in Dialogue between Psychology and Religion”, *Journal of Psychology and Theology* 2006, Vol. 34, No. 3, 205-216

<http://www.valpo.edu/psychology/about/faculty-and-staff-2/jim-nelson-ph-d/>

1 . theistic